

آمریکا در حال از دست دادن هند است

ماه گذشته، پس از آنکه شی جین پینگ، ولادیمیر پوتین و نارندرا مودی در چین دست در دست هم ظاهر شدند، دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، نتیجه گرفت که ایالات متحده «هند و روسیه را به چین باخته است». اگر چه اتحاد مسکو و پکن برای به چالش کشیدن نظم جهانی به رهبری آمریکا چیز جدیدی نیست، اما گرم شدن روابط هند با چین یک تحول تازه است؛ تحولی که نتیجه مستقیم رویکرد اخیر ترامپ و فاصله گرفتن او از هند است.

فهرست اقدامات اشتباه طولانی است. ترامپ یکی از سنگین ترین تعرفه‌ها در جهان (۵۰ درصد) را بر کالاهای هندی تحمیل کرده که شامل یک جریمه ۲۵ درصدی برای خرید نفت روسیه توسط دهلی‌نو نیز می‌شود. نکته عجیب اینجاست که هند اکنون برای خرید انرژی روسیه تعرفه‌ای بسیار سنگین‌تر از تعرفه‌ای می‌پردازد که خود مسکو برای تولید آن پرداخت می‌کند. مشاور تجاری ترامپ، پیتز ناوارو، با پست‌های توهین آمیز در شبکه‌های اجتماعی و دخالت آشکار در سیاست‌های داخلی هند، تنش‌ها را بیشتر کرده است. رئیس جمهور همچنین، با وجود اعتراضات دهلی‌نو، بارها ادعا کرده که با استفاده از تعرفه‌ها به درگیری نظامی ماه‌مه میان هند و پاکستان پایان داده است. این در حالی است که او تنها چند هفته پس از یک حمله تروریستی که هند، یک گروه تحت حمایت ارتش پاکستان را مسئول آن می‌داند، میزبان رئیس ستاد ارتش پاکستان در کاخ سفید بود. این وضعیت نباید به اینجامی‌رسید. هند همچنان یکی از مهم‌ترین شرکای استراتژیک آمریکا و یک وزنه تعادلی حیاتی در برابر چین است. به همین دلیل، چندین رئیس جمهور دموکرات و جمهوری خواه در ۲۵ سال گذشته — از جمله خود ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری اش — برای ایجاد روابط اقتصادی و دفاعی مستحکم با هند و جلب اعتماد مردم این کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اقدامات اخیر ترامپ این خطر را ایجاد می‌کند که او در تاریخ به‌عنوان رئیس جمهوری ثبت شود که «هند را از دست داد.» مقامات آمریکایی نباید از انکار هرگونه نقش آمریکا در پایان دادن به درگیری با پاکستان توسط هند، شگفت‌زده شوند. دهلی‌نوبیش از ۵۰ سال است که هرگونه میانجی‌گری طرف ثالث در مناقشه با اسلام‌آباد را رد کرده است؛ سیاستی که از زمان «پیمان شیملا» در سال ۱۹۷۱ بنا نهاده شد و تأکید می‌کند که تمام اختلافات آینده باید صرفاً به صورت دوجانبه حل شوند. علاوه بر این، ادعاهای ترامپ و تکرار پیشنهادش برای میانجی‌گری در مناقشه کشمیر، نخست‌وزیر مودی را در داخل کشور با انتقادات شدید از سوی حامیان و مخالفانش روبه‌رو کرد.

با تمام این‌ها، هنوز برای اصلاح این روابط دیر نیست. برای کاهش تنش‌ها، هر دو طرف باید حاضر به مصالحه باشند؛ وظیفه‌ای که برای دوررهبری که به سرسختی و انعطاف‌ناپذیری خود افتخار می‌کنند، دشوار است. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که هر دو طرف گام‌هایی به سوی یکدیگر برداشته‌اند. هند نشانه‌هایی از کاهش وابستگی به نفت روسیه از خود نشان داده است. واردات نفت این کشور از آمریکانیز در این دوره به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. از سوی دیگر، نامزدی یکی از نزدیک‌ترین دستیاران سیاسی ترامپ به عنوان سفیر در دهلی‌نو را نیز باید به عنوان یک شاخه زیتون و نشانه‌ای از اهمیتی که او برای این رابطه قائل است، تلقی کرد.

اما برای بازگرداندن این کشتی به مسیر درست، به اقدامات بیشتری نیاز است. دو رهبر باید مشاوران مورد اعتماد خود را مأمور کنند تا بی‌سروصدا یک نقشه راه برای نجات این رابطه تدوین کنند. این به معنای پایان دادن به توهین‌ها در شبکه‌های اجتماعی است که به اعتبار آمریکا در هند آسیب می‌زند. همچنین، لازم است هر چه سریع‌تر یک توافق تجاری نهایی شود که تعرفه‌های سنگین بر کالاهای هندی را در ازای کاهش تعرفه‌های هند بر محصولات آمریکایی و تعهد دهلی‌نو به خرید بیشتر انرژی و تجهیزات دفاعی، کاهش دهد. هند باید به کاهش خرید نفت روسیه ادامه دهد و ترامپ باید متعهد شود که در اسرع وقت برای شرکت در نشست سران «کوآد» به هند سفر کند.

تصویر سفر نخست‌وزیر هند به چین، بدون شک سیگنالی به واشنگتن بود مبنی بر اینکه دهلی‌نو گزینه‌های دیگری نیز دارد. این اتفاق نباید تکرار شود. مسیر رسیدن به یک شرکای استراتژیک واقعی با هند، طولانی و پرپیچ‌وخم بوده است. هر دو کشور باید به پیمودن این مسیر ادامه دهند.

عکس: Getty Images



نسل بیدار مراکش

جوانان مراکشی خواهان اولویت یافتن هزینه‌های بهداشت و آموزش بر توسعه زیرساخت جام جهانی هستند



کردن دولت، آزادی بازداشت‌شدگان و تشکیل یک نهاد نظارتی برای پاسخگو کردن مقامات شد. این خواسته‌های مشخص سیاسی، با شعارهای کلی گذشته تفاوت داشت و نشان می‌داد که از نظر مردم، مراکش هنوز نتوانسته است «تناقض‌هایی» را که خود پادشاه در سال ۲۰۱۷ به آن اشاره کرده بود، برطرف کند. او در آن زمان اعتراف کرده بود که پیشرفت به همه اقشار جامعه نرسیده و قول بهبود اوضاع را داده بود. اگر چه پادشاه بالاترین مقام کشور است، اما معترضان خشم خود را متوجه دولت کرده و از او می‌خواهند که برای اصلاحات دخالت کند. بسیاری در خیابان‌ها فریاد می‌زنند: «مردم خواهان دخالت پادشاه هستند»، که این نشان می‌دهد مردم همچنان او را نماد ثبات کشور می‌دانند.

❖ خواسته معترضان منطقی است؟

در ۱۱ سپتامبر، مراکش افتتاح استادیوم فوق مدرن «شاهزاده مولای عبدالله» را در پایتخت، رباط، جشن گرفت؛ استادیومی با ظرفیت حدود ۶۹ هزار نفر که ساخت آن بیش از ۷۵ میلیون دلار هزینه داشت و در کمتر از دو سال تکمیل شد. تنها سه روز بعد، در شهر ساحلی «آگادیر»، اعتراضاتی به دلیل مرگ چندین در یک بیمارستان که بالاتر به آن اشاره شد در گرفت. این حادثه، در کنار تضاد آشکار میان پروژه‌های ورزشی بزرگ و برقی و وضعیت نابسامان بهداشت عمومی، خشم جوانان مراکشی را در فضای مجازی برانگیخت و به ایجاد هشتگ GenZ۲۱۲ و فراخوان برای تظاهرات سراسری منجر شد. به نظر می‌رسد این کشور پادشاهی در یک واقعیت دوگانه زندگی می‌کند. دولتی که پروژه‌های عظیم زیربنایی و سرگرمی را برای بهبود وجهه بین‌المللی و جذب گردشگر در اولویت قرار می‌دهد، اما در ارائه خدمات اولیه به شهروندان خود کوتاهی می‌کند. برای مثال، تیم ملی فوتبال مراکش در رده یازدهم جهان قرار دارد، اما همین کشور در شاخص توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۲۵، از میان ۱۹۳ کشور در رتبه ۱۲۰ است. مراکش در حال ساخت بزرگترین استادیوم جهان برای میزبانی جام جهانی ۲۰۳۰ است، اما در شاخص جهانی مراقبت‌های بهداشتی، همچنان در نیمه پایینی جدول قرار دارد. این کشور دومین قطار سریع‌السیر جهان را دارد، اما در شاخص جهانی دانش به رتبه نود و هشتم سقوط کرده است. در کشوری با ثبات و پویا مانند مراکش، با تاریخ طولانی وقدرت‌مند، این اعتراضات را باید شکلی مثبت از مشارکت سیاسی دانست. حضور چشمگیر نسل جوانی که معمولاً به بی‌تفاوتی متهم می‌شود، نشانه‌ای از یک جامعه سالم است که مقامات منتخب خود را در برابر سیاست‌های نمایشی و ظاهری، پاسخگو می‌داند. با این حال، اگر این تظاهرات تشدید شود، خطر همچنان وجود دارد. این اعتراضات تاکنون لحظاتی از درگیری، خرابکاری و حتی تلفات جانی را تجربه کرده است که نشان می‌دهد وضعیت تا چه حد می‌تواند شکننده باشد.

❖ واکنش دولت مراکش چه بوده است؟

نیروهای امنیتی در برخورد با اعتراضات، رویکردی دوگانه و متناقض داشته‌اند؛ گاهی سرکوب شدید و گاهی عقب‌نشینی. در آخرین آخر هفته سپتامبر، پلیس ضدشورش و نیروهای لباس شخصی، معترضان را به صورت گسترده بازداشت کردند. روز چهارشنبه، پلیس در شهری کوچک در حومه «آگادیر» به سمت معترضانی که به گفته آن‌ها قصد حمله به پاسگاه را داشتند، تیراندازی کرد که منجر به کشته شدن سه نفر شد. شب قبل از آن نیز، یک ون پلیس در شهر «وجد» به میان جمعیت راند و یک نفر را زخمی کرد. اما در نقاط دیگر، نیروهای امنیتی تنها نظاره گر بودند و اجازه دادند تا معترضان خودروها را به آتش بکشند و شیشه‌ها را بشکنند. پس از چند روز اعتراض، نخست‌وزیر اخنوش و چند وزیر دیگر اعلام کردند که دولت آماده گفت‌وگو با معترضان است و پیشنهاد دادند که بیمارستان‌ها را با کارکنان بیشتر تقویت کرده و مراکز درمانی جدیدی افتتاح کنند. وزیر بهداشت روز جمعه گفت: «دولت از ابتدا

کاملاً متفاوتی از مشارکت سیاسی شان را نشان می‌دهد. محتوایی که آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی مانند دیسکورد و اینستاگرام تولید می‌کنند، نشان‌دهنده درک عمیق آن‌ها از مسائل سیاسی و حس قوت عدالت‌خواهی است؛ نمادهایی که این نسل در اعتراضات خود به کار می‌برد، ارزش‌ها و آرمان‌های آن‌ها را به خوبی نشان می‌دهد. آن‌ها از استعاره‌های فرهنگ عامه، مانند سریال کرای بازی مرکب یا فیلم اسپانیایی پلتفرم استفاده می‌کنند که هر دو داستان‌هایی تکان‌دهنده درباره بی‌عدالتی اجتماعی و مبارزه طبقاتی هستند. اما اصلی‌ترین نماد این اعتراضات، مانند جنبش‌های نسل جدید در نپال و اندونزی، یک انیمه ژاپنی به نام وان پیس (One Piece) است. به نظر می‌رسد جوانان مراکشی بیش از هر چیز با داستان این انیمه همذات‌پنداری می‌کنند؛ داستانی درباره یک جوان شجاع و از طبقه پایین که برای شکست دادن حاکمیت و یافتن گنجی افسانه‌ای به نام وان پیس مبارزه می‌کند. »

❖ خواسته اصلی معترضان چیست؟

مراکش با کاه‌های قدیمی، بازارهای پر جنب‌وجوش و مناظر کوهستانی و بیابانی، پربازدیدترین کشور آفریقا است و گردشگران را از سراسر جهان به خود جذب می‌کند. اما برای بسیاری از ۳۷ میلیون جمعیت این کشور، واقعیت زندگی روزمره چیزی جز گرانی سرسام‌آور و درآمدهای ثابت‌مانده نیست. این کشور پادشاهی در شمال آفریقا، پیشرفت‌های چشمگیری در بهبود سطح زندگی مردم داشته، اما این پیشرفت نامتوازن بوده و به گفته منتقدان، نابرابری‌ها را حتی بیشتر کرده است. مراکش به داشتن تنها قطار سریع‌السیر قاره آفریقا افتخار می‌کند و در حال ساخت یا بازسازی ۱۴ استادیوم برای میزبانی جام جهانی فوتبال ۲۰۳۰ است و قصد دارد بیش از ۵ میلیارد دلار برای آن هزینه کند. با این حال، در کشوری که حداقل دستمزد ماهانه حدود ۳۰۰ دلار است، بسیاری از مردم در مناطقی زندگی می‌کنند که جاده‌ها خاکی، بیمارستان‌ها بدون پزشک، و مدارس با کمبود بودجه و کلاس‌های شلوغ روبه‌رو هستند. در مراکش به ازای هر ۱۰ هزار نفر، کمتر از ۸ کادر پزشکی وجود دارد و این آمار در مناطق جنوبی و شرقی که کانون اعتراضات بوده‌اند، بسیار پایین‌تر است. با اینکه نظام بهداشت عمومی بیش از ۸۰ درصد خدمات درمانی را ارائه می‌دهد، تنها ۴۰ درصد بودجه را در اختیار دارد و بقیه هزینه‌ها باید توسط خود مردم پرداخت شود. پیش از این نیز، اعتراضات محلی علیه همین نابرابری‌ها شکل گرفته بود؛ از جمله در منطقه «الحوز» که دو سال پس از زلزله مرگبار ۲۰۲۳، هنوز بسیاری از مردم در چادر زندگی می‌کنند. خشم عمومی در ماه سپتامبر و پس از مرگ هشت زن هنگام زایمان در یک بیمارستان دولتی در شهر توریستی «آگادیر» به اوج رسید. این شهر، با وجود فردگاه مدرن و شهرت جهانی، مرکز یکی از فقیرترین استان‌های مراکش است که ساکنانش از کمبود پزشک و خدمات درمانی مناسب رنج می‌برند. معترضان که از فساد به ستوه آمده‌اند، دولت را به «مافیا» تشبیه کرده و شخص عزیز اخنوش، نخست‌وزیر، و وزیر بهداشت او را هدف قرار داده‌اند. اخنوش که یکی از ثروتمندترین مردان مراکش است، مالکیت اکثر پمپ‌بنزین‌های کشور را در اختیار دارد و یکی از شرکت‌هایش به تازگی قراردادهای دولتی پرسودی برای پروژه‌های آبشیرین‌کن دریافت کرده است. بر اساس گزارش‌ها، منافع تجاری خانواده سلطنتی نیز قرار است سودهای کلانی از پروژه‌های مرتبط با جام جهانی، از جمله ساخت استادیوم‌ها هتل‌ها، به‌دست آورند. شعار «استادیوم‌ها اینجا هستند، اما بیمارستان‌ها کجا هستند؟» کنایه‌ای است به هزینه‌های هنگفت دولت برای پروژه‌های نمایشی جام جهانی در مقابل بی‌توجهی به نیازهای اولیه مردم. شعار دیگر آن‌ها، «آزادی، کرامت و عدالت اجتماعی»، که از اعتراضات گذشته به ارث رسیده، به طور کلی به محدودیت‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی اشاره دارد. پس از آنکه مقامات از معترضان خواستند تا مطالبات خود را مشخص کنند، این گروه روز پنجشنبه در نامه‌ای به پادشاه محمد ششم، خواستار منحل



محمدحسین لطف‌اللهی

خبرنگار بین‌الملل

محمد ششم، پادشاه ۶۲ ساله مراکش روز جمعه بدون عصبانی که طی یک سال اخیر معمولاً به همراه داشت وارد پارلمان شد، از اعضای پارلمان خواست که با جدیت و مسئولیت‌پذیری امور کشور را پیگیری کنند و برای رفع نارضایتی‌ها از جمله «بی‌عدالتی اجتماعی» بکوشند. سخنرانی پادشاه مراکش و اظهارات او بازتابی از مطالبات معترضانی بود که نزدیک به دو هفته است در خیابان‌های این کشور گرد هم می‌آیند و اعتراض خود را به نابرابری‌ها اعلام می‌کنند. با این حال، در این سخنرانی اشاره مستقیمی به معترضان، که اکثریت قابل توجه آن را جوان‌ها تشکیل می‌دهند، نشد: «عدالت اجتماعی یک اولویت موقت نیست. هدف استراتژیکی است که همه باید در راستای دستیابی به آن بکوشند.» مراکش نخستین کشوری نیست که در ماه‌های اخیر با اعتراضات گسترده نسل زد مواجه می‌شود. کشورهای ماداگاسکار، کنیا، پرو و نپال نیز در این مدت با تظاهرات و حتی اقدام برای سرنگونی حکومت در پی سرکوب سیاسی و نارضایتی از شرایط اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند. نقطه شروع اعتراضات در مراکش، نارضایتی شدید جوانان از هزینه‌های سنگین دولت برای ساخت و توسعه استادیوم‌های میزبان جام جهانی ۲۰۳۰ و افزایش هزینه‌های بهداشت و آموزش به دلیل کاهش بودجه تخصیص‌یافته دولت به این حوزه‌ها بود.

❖ از معترضان چه می‌دانیم؟

نیروی اصلی پشت این اعتراضات، یک گروه بدون رهبر به نام «نسل زد ۲۱۲» (Gen Z ۲۱۲) است که نامش را از پیش‌شماره تلفن مراکش (۲۱۲+) گرفته است. اعضای این گروه برنامه‌های خود را در اپلیکیشن دیسکورد، اپلیکیشنی که به‌ویژه بین گیمرها و نوجوانان محبوب است، هماهنگ می‌کنند. گروه اصلی آن‌ها در دیسکورد حدود ۱۸۰ هزار عضو دارد، اما در کنار آن، گروه‌های کوچک‌تری هم شکل گرفته‌اند که هر کدام به صورت مستقل تظاهرات را در شهرهای مختلف سازماندهی می‌کنند. مراکش، مانند بسیاری از کشورهای دیگر که شاهد اعتراضات نسل جدید بوده‌اند، جمعیت بسیار جوانی دارد و بیش از نیمی از مردم این کشور زیر ۲۵ سال سن دارند. با این حال، با وجود اینکه دولت میلیاردها دلار در پروژه‌های زیرساختی و گردشگری سرمایه‌گذاری کرده، نرخ بیکاری در میان جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله به ۳۶ درصد رسیده است. به دلیل همین کمبود فرصت‌ها، بر اساس نظرسنجی ماه ژوئن موسسه «افروبارومتر» بیش از نیمی از مراکشی‌های زیر ۳۵ سال به فکر مهاجرت از کشورشان افتاده‌اند.

اندیشکده شورای آتلانتیک در تحلیل پیرامون معترضان مراکشی نوشته است: «بر اساس یک مطالعه جدید، در مراکش حدود ۱۱ میلیون جوان بین ۱۵ تا ۳۴ سال وجود دارد که یک چهارم آن‌ها نه درس می‌خوانند، نه کار می‌کنند و نه در حال یادگیری مهارتی هستند. این آمار در میان زنان و در مناطق روستایی بسیار بدتر است. با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در بخش‌هایی مانند خودروسازی و هوانوردی، نرخ بیکاری در سال ۲۰۲۴ به ۱۳/۲ درصد رسید. دولت فعلی به رهبری عزیز اخنوش که متشکل از تکنوکرات‌ها و افراد ثروتمند است، قول داده بود تا سال ۲۰۲۶ بیکاری را کاهش داده و ۲۵۰ هزار شغل جدید ایجاد کند، اما نتوانست جوانان سرخورده مراکشی را که به نخبگان سیاسی بی‌اعتماد شده‌اند، قانع کند. آمارها نشان می‌دهند که نسل جدید (نسل زد) کمترین مشارکت سیاسی را در میان گروه‌های سنی دارد؛ تنها حدود ۲۳ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله برای رأی دادن ثبت‌نام کرده‌اند و بیش از نیمی از افراد ۱۸ تا ۲۹ ساله می‌خواهند از کشور مهاجرت کنند. با این حال، حضور گسترده همین جوانان در خیابان‌ها و فعالیت چشمگیر آن‌لاین آن‌ها، تصویر